

تأثیر رقابت پذیری بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای عضو WEF)

محسن محمدی خیاره* و نسرين رستمی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۵

چکیده

محققان زیادی بر اهمیت رقابت پذیری یک اقتصاد در بهبود روند رشد اقتصادی تأکید کرده‌اند؛ با این وجود، مطالعاتی که به صورت کمی به تحلیل ارکان مختلف رقابت پذیری در یک اقتصاد و تأثیر آن بر افزایش رشد اقتصادی پرداخته باشند، بسیار محدود است. بنابراین، هدف مطالعه حاضر، پر کردن شکاف موجود در ادبیات رشد اقتصادی و نیز بررسی تأثیر متغیر رقابت پذیری بر رشد اقتصادی در مراحل مختلف توسعه یافتگی کشورها است. در این راستا با استفاده از داده‌های ۸۱ کشور عضو مجمع جهانی اقتصاد در سه گروه کشورهای منبع محور، کارایی محور و نوآوری محور برای سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۷ و از طریق روش اقتصادسنجی گشتاورهای تعمیم یافته (GMM)، تأثیر ارکان رقابت پذیری ملی بر رشد اقتصادی بررسی شده است. نتایج بیانگر این است که تأثیر نهادها، زیرساخت‌ها، آموزش عالی، پیچیدگی کسب و کار و نوآوری در هر سه گروه کشورها بر روند رشد اقتصادی مثبت و معنادار است. همچنین تأثیر ارکان کارایی بازار کار، توسعه بازار مالی و محیط اقتصاد کلان تنها در کشورهای کارایی محور و نوآوری محور معنادار شده است و رکن آموزش ابتدایی و بهداشت فقط در کشورهای منبع محور معنادار بوده است. همچنین تأثیر ارکان کارایی بازار کالا و اندازه بازار فقط در کشورهای نوآوری محور بر روند رشد اقتصادی معنادار بوده است و در رکن آمادگی در فناوری تنها برای کشورهای نوآوری محور معنادار نبوده است. به طور خلاصه نتایج ناشی از تخمین مدل بیانگر این است که تأثیر عوامل رقابت پذیری بر سطح رشد اقتصادی در کشورهای مختلف با توجه به میزان شاخص‌های توسعه یافتگی کشورها متفاوت است.

طبقه‌بندی JEL: L26؛ B22؛ O17.

کلیدواژه‌ها: رقابت پذیری، رشد اقتصادی، کشورهای منبع محور، کشورهای کارایی محور، کشورهای نوآوری محور.

* استادیار اقتصاد، گروه علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه گنبد کاووس، گلستان، ایران، نویسنده مسئول،

m.mohamadi@ut.ac.ir

پست الکترونیکی:

** فارغ التحصیل رشته مدیریت کارآفرینی، دانشگاه گنبد کاووس، گلستان، ایران.

۱- مقدمه

رقابت‌پذیری یک مفهوم چندبعدی است که جنبه‌های مختلف شاخص‌های اقتصاد کلان (عوامل قیمتی و غیرقیمتی در ارتباط با نهادها، زیرساخت، چارچوب سیاسی، اجتماعی و قانونی)، عملکرد نگاه‌ها و جنبه‌های بین‌کشوری براساس زنجیره‌های ارزش جهانی را دربر می‌گیرد. بدین ترتیب، توانایی رقابت‌پذیری به صورت مستقیم و غیرمستقیم، رفاه یک ملت و عملکرد مناسب یک اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

امروزه مباحث گسترده‌ای در میان سیاستمداران و محققان، در مورد معنا و مولفه‌های رقابت‌پذیری وجود دارد. بولتو^۱ (۱۹۹۶) رقابت‌پذیری را به عنوان توانایی اقتصاد در تامین استاندارد بالاتری از زندگی تعریف می‌کند. در حالی که پورتر^۲ (۱۹۹۸) استدلال می‌کند که تنها مفهوم معنادار رقابت‌پذیری، بهره‌وری ملی است. مجمع جهانی اقتصاد بر مبنای تعریف پورتر (۱۹۹۸)، شاخص رقابت‌پذیری جهانی^۳ (GCI) را ارائه کرده است که به عنوان ابزار اندازه‌گیری رقابت‌پذیری ملی شناخته می‌شود. با توجه به این تعریف، رقابت‌پذیری یک کشور، مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی خرد و کلان است که میزان بهره‌وری و رشد اقتصادی یک کشور را تعیین می‌کند (WEF، ۲۰۱۷).

سولو^۴ (۱۹۵۷) با استفاده از یک تابع تولید کل دریافت که حدود ۱۳ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی در آمریکا، تنها به دلیل افزایش در نهاده‌های نیروی کار و سرمایه بوده است. به گفته وی، بخش اعظم ۸۷ درصدی باقی‌مانده از تغییرات رشد اقتصادی به واسطه تغییرات تکنولوژی نمایان شده است. با وجود این، سولو عواملی را که منجر به تغییرات تکنولوژیکی می‌شوند، عنوان نکرده و اثبات اینکه تغییرات تکنولوژی عامل عمده رشد اقتصادی است در مطالعه وی انجام نگرفته است. با گذشت زمان و در مطالعات بعدی، عوامل اصلی تولید ستانده از نهاده‌های تولیدی از طریق یک تابع تولید کل و به وسیله معیارهای پیچیده‌تر نهاده‌های تولید شامل سرمایه انسانی و روابط تابعی پیچیده‌تر بسط داده شد. همچنین چارچوب مدل‌های رشد درون‌زا گسترده‌تر شد و عواملی مانند تحقیق و توسعه، ثبت اختراع، کارآفرینی و سیاست‌ها در مدل‌های رشد درون‌زا وارد شد

1- Bolto

2- Porter

3- Global Competitiveness Index

4- Solow

(آگین^۱، ۲۰۱۷). با وجود این، توجه کمتری به نقش رقابت‌پذیری در فرآیند رشد اقتصادی صورت گرفته است.

مطالعات موجود درخصوص ارتباط بین رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی عمدتاً روی یکی از ابعاد رقابت‌پذیری (هریسون^۲، ۱۹۹۶) و یا بر یک منطقه خاص (گاردینر^۳ و همکاران، ۲۰۰۶) تمرکز داشته‌اند. سایر مطالعات موجود، یک یا دو بعد رقابت‌پذیری را مورد بررسی قرار داده‌اند (پتراریو^۴ و همکاران، ۲۰۱۳)، یا بحث رقابت‌پذیری را در یک سال خاص (کمیسیون اروپا^۵، ۲۰۱۴) و یا ارزیابی رقابت‌پذیری کشورهای منتخب انجام شده است (نایسنر^۶، ۲۰۱۳).

مطالعات پیشین، بیشتر بر ارتباط بین شاخص رقابت‌پذیری کل اقتصاد و رشد اقتصادی تمرکز داشته‌اند و بر اثرات ارکان مختلف رقابت‌پذیری کشورها بر رشد اقتصادی تاکید کمتری وجود داشته است. در این راستا، سوال اساسی که پژوهش حاضر به دنبال جوابگویی آن است، این است که آیا ارکان مختلف رقابت‌پذیری کشورها به صورت ترکیبی و به‌عنوان یک اکوسیستم، توضیح‌دهنده رشد اقتصادی کشورها در مراحل مختلف توسعه اقتصادی هستند. ایده قابل ذکر این است که هرچه میزان رقابت‌پذیری یک کشور بالاتر باشد، محیط کسب‌وکار مناسب‌تر، میزان کارآفرینی بالاتر و تکنولوژی مولدتر خواهد بود و از این رو فناوری بر رشد اقتصادی تأثیر قوی‌تری بر جای خواهد گذاشت.

هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی تأثیر رقابت‌پذیری ملی بر رشد اقتصادی است. برخلاف مطالعات گذشته در مقاله حاضر با بینشی جامع نسبت به بررسی تمام ابعاد رقابت‌پذیری با استفاده از داده‌های موجود برای ۱۲ رکن رقابت‌پذیری، تأثیرات احتمالی ارکان رقابت‌پذیری بر نرخ رشد اقتصادی کشورهای عضو WEF مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجایی که ویژگی‌های رقابت‌پذیری کشورها به‌طور متوسط بسته به مرحله توسعه اقتصادی متفاوت است، از این رو، برای بررسی دقیق‌تر تأثیر

-
- 1- Aghion
 - 2- Harrison
 - 3- Gardiner
 - 4- Petrariu
 - 5- Europea Commission
 - 6- Niessner

رقابت پذیری ملی بر رشد اقتصادی، این تاثیر برای کشورهای مورد بررسی در مراحل مختلف توسعه اقتصادی انجام گرفته است. در عین حال، مجمع جهانی اقتصاد، کشورهای عضو را بر حسب مراحل توسعه یافتگی کشورها در سه گروه کشورهای منبع محور^۱، کارایی محور^۲ و نوآوری محور^۳ تقسیم بندی کرده است که در مطالعه حاضر از این گروه بندی استفاده شده است.

ساختار مقاله حاضر به این صورت سازمان دهی شده است: در بخش دوم، مبانی نظری تحقیق ارائه شده است که در آن مفهوم رقابت پذیری کشورها و تاثیر ارکان رقابت پذیری بر رشد اقتصادی تشریح می شود. بخش سوم به پیشینه تحقیق پرداخته است. در بخش چهارم، روش شناسی تحقیق و داده ها آمده است که توضیح دقیق از روش و جمع آوری داده ها ارائه داده است. در بخش پنجم، تجزیه و تحلیل تجربی انجام شده و نهایتاً در بخش ششم نتیجه گیری تحقیق بیان شده است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مفهوم رقابت پذیری

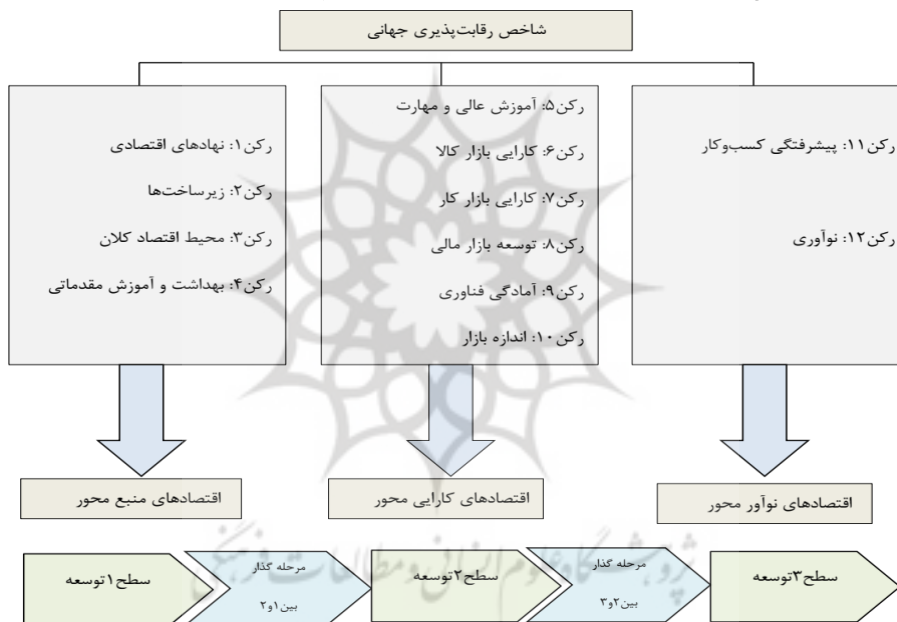
شاخص رقابت پذیری یک کشور مجموعه ای از ۱۲ رکن است که به سه گروه تقسیم شده است؛ گروه اول مربوط به الزامات اساسی، شامل نهادها، زیرساخت ها، ثبات اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش ابتدایی است. گروه دوم نشان دهنده عوامل و منابع کارایی، شامل آموزش عالی، کارایی بازار کالا، کارایی بازار کار، توسعه بازار مالی، آمادگی تکنولوژیکی، اندازه بازار و پیچیدگی کسب و کار است. گروه سوم شامل نوآوری و عوامل پیچیدگی کسب و کار است (WEF، ۲۰۱۷). تمامی ارکان رقابت پذیری به میزان معینی در همه اقتصادها اهمیت دارند. با این حال، با توجه به مراحل مختلف توسعه کشورها، این رکن ها به گونه های مختلف، عملکرد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می دهند. الزامات اساسی برای کشورهایی که هنوز در مرحله «منبع محوری» هستند، بسیار مهم است. عوامل تقویت و توسعه کارایی برای کشورهایی

1- Resource Driven
2- Efficiency Driven
3- Innovation Driven

تأثیر رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی... ۱۵۷

که در حال گذار به مرحله «کارایی محور» هستند، حائز اهمیت است و عوامل نوآوری و پیچیدگی بر کشورهای مبتنی بر نوآوری، اثرگذار هستند. کشورهای که در بین هر کدام از مراحل سه‌گانه منبع محور، کارایی محور و نوآوری محور هستند، کشورهای در حال گذارند. ارکان رقابت‌پذیری در سه گروه دسته‌بندی شده‌اند و هر گروه برای یک مرحله خاص از توسعه ضروری است. شکل (۱) گروه‌بندی ارکان را با توجه به مراحل مختلف توسعه اقتصادی نشان می‌دهد. هر رکن دربرگیرنده زیر شاخص‌هایی است که براساس آن اندازه‌گیری و رتبه‌بندی می‌شوند.

شکل (۱): گروه‌بندی ارکان مختلف شاخص رقابت‌پذیری جهانی (GCI)



بر مبنای تئوری‌های اقتصادی شناخته شده در زمینه مراحل توسعه، فرض شاخص رقابت‌پذیری جهانی این بوده است که در اولین مرحله توسعه، اقتصادها، منبع محور هستند و کشورهای واقع شده در این مرحله از توسعه عمدتاً براساس نیروی کار غیرماهر و منابع طبیعی با هم رقابت کرده و اقتصاد این کشورها بیشتر وابسته به منابع طبیعی و مواد معدنی است. در مرحله دوم توسعه، رقابت اغلب منوط به عملکرد مناسب

نهادهای خصوصی و دولتی است. بالطبع با رقابتی شدن یک کشور، بهره‌وری آن افزایش یافته و دستمزدها نیز با سرعت بیشتری افزایش می‌یابند. در این صورت کشورها به سمت مرحله توسعه کارایی محور حرکت کرده و باید توسعه فرآیند تولید کارآمد را شروع و کیفیت تولیدات خود را افزایش دهند؛ زیرا این کشورها نمی‌توانند متناسب با بالا رفتن دستمزدها، قیمت‌ها را افزایش دهند. در نهایت با حرکت به سمت مرحله نوآوری، دستمزدها آن قدر افزایش می‌یابد که کشورهای نوآوری محور تنها در شرایطی قادر به پرداخت این دستمزدها و در نتیجه حفظ استاندارد بالای زندگی خواهند بود که بتوانند از بالاترین سطح توسعه فرآیند تولید از طریق نوآوری و تولیدات جدید استفاده کنند.

۲-۲- عوامل موثر بر رقابت پذیری

همان‌طور که ذکر شد، مجمع جهانی اقتصاد در گزارش‌های مختلف خود از ارزیابی رقابت پذیری جهانی، ۱۲ رکن رقابت پذیری را به سه دسته تقسیم کرده است؛ گروه اول مربوط به پارامترهای اساسی است: نهادها، زیرساخت‌ها، ثبات اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش ابتدایی. گروه دوم منابع بهره‌وری را ارائه می‌دهد: کارایی بهداشت و آموزش ابتدایی، کارایی بازارها و محصولات، کارایی بازارهای نیروی کار، پیچیدگی بازارهای مالی، باز بودن تکنولوژی و اندازه بازار. گروه سوم متمرکز بر منابع کارایی است: پیچیدگی بنگاه‌ها و نوآوری. اکثریت این رکن‌ها از شش نظریه اصلی اقتصادی استخراج شده‌اند: نظریه اقتصادی کلاسیک، نئوکلاسیک و کینزین، اقتصاد توسعه، نظریه تجاری جدید و نظریه رشد اقتصادی جدید (نظریه رشد درون‌زا) که به‌طور خلاصه در جدول (۱) آورده شده است.

جدول (۱): عوامل کلیدی موثر بر رقابت‌پذیری در نظریات عمده اقتصادی

عوامل موثر بر رقابت‌پذیری	تئوری
<ul style="list-style-type: none"> • سرمایه‌گذاری در سرمایه (به عبارت دیگر بهبود و پیشرفت تکنولوژی) تقسیم کار (تخصص) را تقویت می‌کند و بنابراین بهره‌وری را افزایش می‌دهد. • تجارت (حرکت از خودکفایی به تجارت آزاد)، موتور رشد اقتصاد است. 	کلاسیک‌ها
<ul style="list-style-type: none"> • تجارت (حرکت از خودکفایی به تجارت آزاد)، موتور رشد اقتصاد است. 	نئوکلاسیک‌ها
<ul style="list-style-type: none"> • شدت سرمایه • سرمایه‌گذاری • مخارج دولت، از قبیل سرمایه‌گذاری در حوزه عمومی • سوبسید یا کاهش مالیات برای بخش خصوصی 	کینزین‌ها
<ul style="list-style-type: none"> • حرکت از بخش کشاورزی به بخش‌های با ارزش افزوده بالاتر • آزادی تجاری • سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) • صندوق‌های توسعه (خارجی) 	اقتصاد توسعه
<ul style="list-style-type: none"> • مخارج تحقیق و توسعه • نوآوری (اختراعات) • سطح آموزش • مخارج سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی (تحصیل و آموزش) • انتشار موثر دانش (مراکز دانش) 	نظریه رشد اقتصادی جدید
<ul style="list-style-type: none"> • عوامل موثر بر مزیت «اولین حرکت‌دهنده» • نیروی کار ماهر • زیرساخت‌های تخصصی • ایجاد شبکه‌های عرضه • فناوری و تکنولوژی بومی و محلی 	نظریه تجارت جدید

منبع: گاردن و مارتین^۲، ۲۰۰۵

به‌طور کلی اکثریت ارکان رقابت‌پذیری جهانی که توسط مجمع جهانی اقتصاد در ارزیابی‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد از مدل‌های رشد درون‌زا که از اواسط دهه ۱۹۸۰ قرن گذشته آغاز شده است، الهام گرفته شده است (جدول (۲)). این نظریه تلاش دارد که منابع رشد بهره‌وری را توضیح دهد و بر نقش کلیدی سرمایه انسانی (لوکاس،

1- Foreign Direct Investment

2- Garden and Martin

۱۶۰ فصلنامه علمی پژوهشنامه اقتصادی، سال بیستم، شماره ۷۶، بهار ۱۳۹۹

(۱۹۸۸)، نوآوری (رومر، ۱۹۹۰)، زیر ساخت (بارو، ۱۹۹۰)، نهادها (رومر، ۱۹۸۶) و رقابت و باز بودن تجاری گروسمن و هلیمن، ۱۹۹۱) تاکید دارد.

جدول (۲): ارزیابی ارکان رقابت پذیری جهانی برگرفته از مدل های رشد درونزا

منابع کارایی	منابع کارایی	الزامات اساسی
رومر (۱۹۹۰)، آگین، هویت (۱۹۹۲): پیچیدگی بنگاه ها و نوآوری	لوکاس (۱۹۸۸): بهداشت و آموزش ابتدایی	رومر (۱۹۸۶): نهادها
	پاگانو (۱۹۹۳): پیچیدگی بازارهای مالی	بارو (۱۹۹۰): زیرساخت ها
	گروسمن و هلیمن (۱۹۹۱): باز بودن تکنولوژی و اندازه بازار	لوکاس (۱۹۸۸): بهداشت و آموزش ابتدایی

منبع: آمر و حمدی، ۲۰۱۲

۲-۳- ارتباط بین ارکان رقابت پذیری و رشد اقتصادی

سطح رقابت پذیری یک کشور، یک عامل مهم برای استاندارد زندگی و رفاه اقتصادی در آن کشور و همچنین عاملی تاثیرگذار در روند رشد اقتصادی کشورها است. در ادامه تاثیر هر یک از ارکان رقابت پذیری بر روند رشد و توسعه اقتصادی به اختصار تشریح می شود.

کیفیت نهادها به عنوان یکی از ارکان اصلی رقابت پذیری از طریق چارچوب قانونی و اداری که در آن افراد، بنگاه ها و دولت ها برای تولید ثروت در تعامل هستند، تعیین می شود از عوامل کلیدی در روند رشد اقتصادی کشورها محسوب می شود (آسیمگلو^۲ و همکاران، ۲۰۰۲ و رودر یک و همکاران^۳، ۲۰۰۴). طبق گفته میلر و همکاران^۴ (۲۰۱۴)، نهادهای دولتی می توانند هزینه های قابل توجه اقتصادی را بر کسب و کارها تحمیل کنند و روند توسعه اقتصادی را کند کنند. به عنوان مثال، بوروکراسی و مقررات اداری بیش از حد، فساد، تقلب در تعهدات و قراردادهای، عدم شفافیت، عدم توانایی در ارائه خدمات مناسب در بخش کسب و کار، مدیریت نادرست امور مالی دولتی و

1- Amar and Hamdi

2- Acemoglu

3- Rodrik

4- Miller

وابستگی سیاسی سیستم قضایی می‌تواند نقش اساسی در عدم توسعه یافتگی یک کشور بازی کند. علاوه بر نهادهای دولتی، حکمرانی خوب نهادهای خصوصی و حفظ اعتماد مصرف‌کننده و سرمایه‌گذار نیز یک عنصر مهم فرآیند تولید ثروت است. زیرساخت‌ها به‌عنوان رکن دیگر رقابت‌پذیری جهانی است که تأثیر آن بر رشد اقتصادی به‌وفور در ادبیات رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است (کنینگ و پدرونی^۱، ۱۹۹۹ و کالدرسون و سرون^۲، ۲۰۰۴). کیفیت و گستردگی شبکه‌های زیرساخت، بازارهای داخلی را یکپارچه ساخته و با هزینه پایین به بازارهای دیگر کشورها متصل می‌سازد، کسب‌وکارها را قادر می‌سازد تا کالا و خدمات خود را در شرایطی ایمن و به‌موقع به بازار انتقال دهند، جریان اطلاعات سریع و ارزان را ممکن می‌سازد و تحرک نیروی کار را تسهیل می‌کند. درخصوص اثرات ثبات اقتصاد کلان بر فعالیت اقتصادی شواهد زیادی وجود دارد. به‌عنوان مثال، اثرات سطوح پایین و متوسط تورم توسط گود فرند^۳ (۲۰۰۷) بررسی شده است؛ اثرات سطوح بدهی دولتی توسط راینهارت و روگوف^۴ (۲۰۱۰) آزمون شده است و اثرات سطوح مختلف مالیات‌ها، ساختار مالیاتی و نحوه مخارج دولت توسط جانسون و همکاران^۵ (۲۰۰۸) مورد مطالعه قرار گرفته است. یکی دیگر از عوامل اصلی رقابت‌پذیری کشورها سطح آموزش و بهداشت در آن کشور است. سرمایه‌گذاری در ارائه خدمات بهداشتی، یکی از عوامل مهم برای توسعه و رشد اقتصادی است. کمیت و کیفیت آموزش ابتدایی و پایه، کارایی نیروی کار را افزایش می‌دهد که در طراحی و اجرای نوآوری‌ها نقش دارد و این نوآوری‌ها در نهایت به افزایش زنجیره ارزش از طریق تولید محصولات پیچیده‌تر و با ارزش افزوده بالاتر منتهی می‌شود. میزان ثبت نام دوره‌های آموزشی متوسطه و دانشگاهی و همچنین کیفیت آموزش عالی نیز از جمله عوامل کلیدی در افزایش و تقویت زنجیره ارزش در اقتصاد است (کروگر و لینگال^۶، ۲۰۰۱).

-
- 1-Canning and Pedroni
 - 2- Calgarsson and Sereon
 - 3- Good Friend
 - 4- Reinhardt and Rogoff
 - 5- Johnson
 - 6- Kruger and Lindal

کارایی بازار کالا و بازار کار نیز می‌تواند به نوبه خود بر سطح رقابت پذیری و رشد اقتصادی کشورها تاثیرگذار باشد. کارایی بازار کالا در ارتباط با تولید و ترکیب مناسبی از کالاها و خدمات با توجه به شرایط خاص عرضه و تقاضا در کشور و همچنین در ارتباط با اثربخشی تجارت با این کالاها است. بهترین شرایط محیطی برای مبادله کالاها، مستلزم سطح بالایی از رقابت در بازار و حداقل مداخله دولت است. باز بودن رقابت بین‌المللی از طریق تجارت و سرمایه‌گذاری، یک کشور را قادر می‌کند تا بهره‌وری خود را بهبود بخشد و صنایع محلی با بیشترین سطح بازدهی و بهره‌وری را گسترش دهد و به دانش و فناوری پیشرفته‌تر از خارج کشور دسترسی پیدا کند (دلگادو و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین کارایی بازار کالا به شرایط تقاضا، مانند میزان مشتری‌مداری بنگاه‌ها و میزان آگاهی و پیچیدگی خریداران^۲ بستگی دارد (پورتر، ۱۹۹۸). مشتریان وفادار، بنگاه‌ها را مجبور به نوآوری بیشتر و مشتری‌مداری بیشتر می‌کنند و بنابراین انضباط و نظم لازم برای ایجاد کارایی در بازار به وجود می‌آید. علاوه بر این، برای دستیابی به کارایی بازار کار باید نیروی کار به بهترین وجه و با بیشترین کارایی در فرصت شغلی موجود تخصیص یابند و انگیزه‌ها و مشوق‌های لازم برای تلاش حداکثری نیروی کار فراهم شود. بنابراین، زمانی که تحرک نیروی کار وجود داشته باشد و جابه‌جایی نیروی کار از یک فعالیت اقتصادی به دیگر فعالیت‌ها به سرعت و با کمترین هزینه ممکن شود و نوسانات دستمزد بدون اختلالات اجتماعی مدیریت شوند، می‌توان امیدوار بود کارایی بازار کار موجب افزایش رشد اقتصادی خواهد شد (کاپلان، ۲۰۰۸).

توسعه بازار مالی به عنوان یکی دیگر از ارکان رقابت‌پذیری کشورها می‌تواند بر روند رشد اقتصادی کشورها اثرگذار باشد. دسترسی کارای بنگاه‌ها به سرمایه موجب افزایش سطح بهره‌وری و سرمایه‌گذاری در بلندمدت می‌شود. بنابراین، توسعه بازار مالی در تخصیص بهینه منابع مالی به پروژه‌های سرمایه‌گذاری و کارآفرینانه با بالاترین نرخ بازگشت سرمایه مورد انتظار انعکاس می‌یابد. علاوه بر این، این کارایی در امکان تامین مالی سرمایه‌گذاری‌ها از منابع مالی مختلف منعکس می‌شود. به این ترتیب برای انجام تمام

1- Delgado

2- Buyer Sophistication

این وظایف، بازارهای مالی نیازمند مقررات مناسب برای حمایت از سرمایه‌گذاران و دیگر بازیگران اقتصاد دارند.

سطح تکنولوژی و آمادگی فناوری به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در افزایش سطح رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی یک کشور به حساب می‌آید. چابکی در اتخاذ فناوری موجود برای افزایش بهره‌وری صنایع دارای اهمیت زیاد است. بنابراین، آمادگی تکنولوژیکی در عصر حاضر در میزان دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)^۱ انعکاس می‌یابد. همچنین اندازه بازار به‌عنوان موهبتی برای یک اقتصاد از طریق ایجاد فرصت‌هایی برای دستیابی به صرفه‌های اقتصادی مقیاس بر بهره‌وری و رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. در عصر جهانی شدن، بازارهای بین‌المللی جایگزین بازارهای داخلی شده‌اند، این امر به ویژه برای کشورهای کوچک صادق است. بنابراین، صادرات و عضویت در ائتلاف و اتحادیه منطقه‌ای (که امکان دسترسی ارزان‌تر و ساده‌تر به بازارهای دیگر را فراهم می‌سازد) می‌تواند به‌عنوان جایگزینی برای تقاضای داخلی در تعیین اندازه بازار موثر باشد (پارتکا و ولسزاک-درلاسز^۲، ۲۰۱۳).

پیچیدگی کسب‌وکار به‌عنوان یکی از ارکان رقابت‌پذیری، تأثیر بسزایی بر روند رشد اقتصادی کشورها و به ویژه کشورهای نوآوری‌محور دارد. پیچیدگی کسب‌وکار در ارتباط با کیفیت و کمیت عرضه‌کنندگان محلی، ارائه‌دهندگان خدمات و موسسات مرتبط در یک زمینه خاص و میزان تعاملات آنان است. این امر به دلیل افزایش کارآیی باعث افزایش بهره‌وری می‌شود، فرصت‌های بیشتر برای نوآوری در فرآیندها و محصولات ایجاد می‌کند و سبب کاهش موانع ورود برای بنگاه‌های جدید می‌شود (دلگادو و همکاران، ۲۰۱۲). علاوه‌براین، عملیات و استراتژی‌های پیشرفته بنگاه‌ها (نام تجاری، بازاریابی، توزیع، فرآیندهای پیشرفته تولید و تولید محصولات منحصر‌به‌فرد و پیشرفته) در اقتصاد سرریز می‌شود و منجر به فرآیندهای کسب‌وکار پیچیده و مدرن در میان بخش‌های بازرگانی کشور می‌شود که در افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی نقش دارد (WEF، ۲۰۱۵). علاوه بر این، تأثیر مثبت نوآوری‌های تکنولوژیکی (شامل نهادها و سیاست‌های حمایت از نوآوری) بر بهره‌وری و رشد اقتصادی به‌صورت تجربی توسط محققانی نظیر گروسمن و هلپمن

1- Information and communication Technology

2- Partka and Welszack- DerLasz

(۱۹۹۱) اثبات شده است. طبق نظر رومر (۱۹۹۰)، نوآوری‌های تکنولوژیکی به صورت ویژه برای اقتصادهایی که دیگر نمی‌توانند از طریق ادغام و پذیرش تکنولوژی‌های برونزا، بهره‌وری خود را بهبود بخشند، اهمیت دارد.

بر پایه پیشینه نظری و شواهد موجود در ادبیات که در آن مفهوم رقابت‌پذیری کشور و تاثیر هر کدام از ارکان رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی توضیح داده شد، می‌توان انتظار داشت که رشد GDP سرانه اقتصاد ملی و رشد رقابت‌پذیری اقتصاد ملی با یکدیگر رابطه مثبت داشته باشند.

۳- پیشینه تحقیق

مطالعات موجود در زمینه رقابت‌پذیری بین‌المللی و ارتباط آن با کارآفرینی و رشد اقتصادی را می‌توان به دو گروه مجزا تقسیم‌بندی کرد؛ گروهی اول به بررسی ارتباط بین رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی پرداخته‌اند که در ادامه نتایج تعدادی از این مطالعات ارائه می‌شود.

فاگربرگ^۱ و همکاران (۲۰۰۷) به منظور بررسی و تحلیل رقابت‌پذیری، ارتباط موجود بین تولید ناخالص داخلی سرانه، هزینه هر واحد نیروی کار و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی مورد بررسی قرار داده است. پودوبنیک^۲ و همکاران (۲۰۱۲)، چگونگی تاثیر سطح رقابت‌پذیری بر روند تولید در دوره رکود را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در پژوهش دیگری، آمر و حمدی (۲۰۱۲) به تحلیل رابطه بین رشد اقتصادی و رقابت‌پذیری جهانی در یک نمونه شامل ۲۳ کشور آفریقایی در دوره ۲۰۰۹-۲۰۰۴ پرداخته‌اند. نتایج مطالعه حاکی از آن است که سطح رقابت‌پذیری جهانی، اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای آفریقایی داشته است. در همین راستا، دادگر و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با بررسی تاثیر شاخص رقابت‌پذیری جهانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب، دریافتند که تاثیر سرمایه انسانی و رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی مثبت است. علاوه بر این، نتایج بیانگر آن است که تاثیر این دو عامل در

1- Fagerberg

2- Podobnik

تأثیر رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی... ۱۶۵

کشورهای دارای سطح درآمد بالاتر از متوسط در مقایسه با کشورهای با درآمد بالا بیشتر بوده است.

اوزینا و امسینا^۱ (۲۰۱۴)، تأثیر تغییرات در بهره‌وری نیروی کار را بر سطح رقابت‌پذیری جهانی یک کشور آزمون کرده‌اند. نتایج پژوهش بیانگر وجود رابطه ضعیف و یا عدم ارتباط بین افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی در دوره قبل از بحران و مرحله اول بعد از دوره بحران است. با این حال، افزایش در بهره‌وری در طول دوره بحران، عامل کلیدی حرکت اقتصاد بعد از دوره بحران است.

کازاکو^۲ (۲۰۱۵) ارتباط بین رشد اقتصادی و رقابت‌پذیری در یک نمونه ۲۸ کشور اروپایی در طول دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۶ بررسی کرده است. وی از شاخص رقابت‌پذیری جهانی به عنوان شاخصی برای ظرفیت رقابت‌پذیری ملی استفاده کرده است. نتایج این تحقیق نشان داده است که شوک در رقابت‌پذیری دارای اثر مثبت بر رشد GDP است. همچنین رشد اقتصادی سریع، اثر مثبت، اما کوچک بر رقابت‌پذیری دارد. در همین راستا، کوردالسکا و اولزیک^۳ (۲۰۱۶) به صورت تجربی رابطه بین GCI و رشد اقتصادی را با استفاده از رویکرد علیت گرنجری پانلی در یک نمونه ۱۱۴ کشوری در دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۶، آزمون کرده‌اند. نویسندگان نتیجه گرفته‌اند که علیت یکطرفه قوی از سمت رشد اقتصادی به رقابت‌پذیری وجود دارد. علاوه بر این، نتایج نشان داده است که GCI در پیش‌بینی رشد اقتصادی برای اکثریت کشورهای کم درآمد و کشورهای پردرآمد OECD موفق عمل کرده است.

نادری و شربت‌اوغلی (۱۳۸۶) با بررسی یک مدل رشد اقتصادی دریافتند که هرچه میزان رقابت‌پذیری یک کشور بالاتر باشد، میزان رشد اقتصادی نیز بالاتر است. نتایج تونونچیان و مهرنوش (۱۳۸۸)، بیانگر آن است که عوامل تأثیرگذار بر میزان رقابت‌پذیری ایران، شامل تحقیق و توسعه، فعالیت‌های نوآورانه و آموزش فنی بوده است.

پژویان و فقیه نصیری (۱۳۸۸) با استفاده از یک الگوی رشد درون‌زا، اثر رقابت‌مندی را بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار داده‌اند و در انتها مدل‌ها اثر مثبت رقابت‌مندی بر رشد اقتصادی را تایید کرده‌اند. محسنی زنوزی و اسماعیلی (۱۳۹۳)

1- Auzina-Emsina

2- Cazacu

3- Kordalska and Olczyk

نشان دادند که رشد اقتصادی تاثیر قابل توجهی بر میزان رقابت پذیری در ایران داشته است. همچنین دخالت دولت در اقتصاد عامل مهمی در کاهش درجه رقابت پذیری ایران بوده است. در تحقیقی دیگر، ایماندوست و مفیدی (۱۳۹۵)، نشان داده که تاثیر امتیاز شاخص رقابت پذیری بر رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته برگزیده مثبت و معنادار بوده است.

رفاح کهریز و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از تکنیک گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) تاثیر رقابت پذیری بر عملکرد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان داده است که شاخص رقابت پذیری به طور معناداری در هر دو گروه از کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته موجب رشد اقتصادی و گسترش صادرات آن‌ها شده است.

گروه دوم از مطالعات به بررسی ارتباط بین رقابت پذیری و کارآفرینی و رشد اقتصادی پرداخته‌اند. در مطالعه‌ای اکس و آمورس^۱ (۲۰۰۸) رابطه بین پویایی‌های کارآفرینی و سطح رقابت پذیری در کشورهای آمریکای لاتین را بر پایه مدل مراحل توسعه اقتصادی تحلیل کردند. مشاهدات آن‌ها حاکی از آن است که این کشورها مسیرهای متفاوتی را در ارتباط با رقابت پذیری پیموده و بر این نکته تاکید کردند که مسیرهای متفاوت می‌تواند اثرات شرایط خاص رقابت پذیری را بر پویایی‌های کارآفرینی توضیح دهد.

آودرچ و لگازکو^۲ (۲۰۱۲)، نتیجه گرفتند که کارآفرینی، یک عامل بسیار مهم برای رقابت پذیری، رشد اقتصادی و نیز تحرک اجتماعی در یک اقتصاد است. رابطه موجود بین کارآفرینی و رقابت پذیری عمدتاً همراه با دورنمای رشد اقتصادی بررسی شده است (اکس و استوری^۳، ۲۰۰۴).

کورزوید و تامینک^۴ (۲۰۱۶) با بررسی رابطه بین رقابت و کارآفرینی در نمونه‌ای از کشورهای اتحادیه اروپا، دریافتند که رابطه بین این دو متغیر مثبت است. همچنین تحلیل مقایسه‌ای نتایج نشان داد که کشورهای نوآوری محور در نمونه کشورهای مورد بررسی،

1- Acs and Amorós

2- Audretsch and Peña-Legazkue

3- Acs and Storey

4- Korez-Vide and Tominc

دارای پیشرفت بالاتری در ارکان رقابت‌پذیری بوده‌اند که این امر در سطح بالای کارآفرینی و رشد اقتصادی این کشورها نمود یافته است.

تیروپاتی^۱ (۲۰۰۸) در مقاله خود، نقش نوآوری تکنولوژیکی را بر رقابت‌پذیری و کارآفرینی بررسی کرده است. نتایج مطالعه وی بیانگر آن است که قابلیت‌ها و توانایی‌های تکنولوژیکی و نوآوری‌های مربوط به آن، دارای پتانسیل بالقوه برای افزایش رقابت‌پذیری بین‌بنگاه‌ها است.

آمورس و کریستی^۲ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای دیگر به بررسی و تحلیل پویایی‌های کارآفرینی و رقابت‌پذیری یا به عبارت دیگر، رابطه U- شکل بین نرخ کارآفرینی کشور و سطح رقابت‌پذیری و توسعه اقتصادی در آمریکای لاتین و بر پایه مطالعه ونکرز^۳ و همکاران (۲۰۰۵) پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که کشورهای آمریکای لاتین در قسمت نزولی نمودار U- شکل قرار گرفته است و پیشنهاد کرده‌اند که در این کشورها به منظور رسیدن به سطوح بالاتر پویایی‌های کارآفرینانه باید عوامل ساختاری بهبود یابند. آمورس و همکاران (۲۰۱۲)، رابطه بین کارآفرینی و مراحل توسعه رقابت‌پذیری در نمونه کشورهای آمریکای لاتین با فرض اینکه در این کشورها نرخ رشد کارآفرینی، شاخص رقابت‌پذیری را افزایش می‌دهد را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان داد که میزان کارآفرینی هر کشوری در مراحل مختلف رقابت، نقش ویژه‌ای در توسعه کشورهای آمریکای لاتین ایفا می‌کند.

با توجه به ادبیات تجربی ذکر شده در فوق، می‌توان گفت که تحلیل اثرات ارکان رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی در کشورهای مختلف در تحقیقات پیشین تا حد زیادی مغفول واقع شده است. گذشته از این، در ادبیات پیشین به تحلیل تأثیر رقابت‌پذیری و به طور مشخص ارکان رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی در مراحل توسعه‌یافتگی کشورها توجه چندانی نشده است که از نوآوری‌های تحقیق حاضر پرداختن به این موضوع است، تمرکز بر کارآفرینی و به‌کارگیری روش گشتاور تعمیم یافته GMM از دیگر نوآوری‌های پژوهش حاضر است.

1- Tirupati

2- Amorós and Cristi

3 Wenekers

۴- روش تحقیق و داده‌ها

در این بخش، ابتدا به بررسی مدل تحقیق و توضیح متغیرهای مورد استفاده در تحقیق پرداخته شده، سپس روش تخمین مدل توضیح داده می‌شود. از آنجایی که داده‌ها در پژوهش حاضر دارای ساختار پانل پویا نامتوازن است؛ از این رو، امکان درون‌زایی و ناهمگن بودن غیرقابل مشاهده داده‌ها با استفاده از برآوردگرهای روش گشتاورهای تعمیم‌یافته^۱ (GMM) ارائه شده توسط آرلانو-باند^۲ (۱۹۹۱) کنترل می‌شود. این رویکرد مدل‌های خودهمبسته با وقفه‌های توزیع شده از پانل‌های نامتوازن را با مقاطع زیاد و دوره زمانی کوتاه تحلیل می‌کند. این تخمین زن با استفاده از متغیرهای ابزاری، امکان استفاده از یک الگوی پویا را فراهم می‌کند. در الگوهای پویا یک یا بیش از یک وقفه متغیر وابسته به عنوان متغیر مستقل در مدل لحاظ می‌شود که به اعتقاد آرلانو-باند برای تخمین چنین الگوهایی، رویکرد GMM یک ابزار مناسب است. برای تبیین جبری رویکرد آرلانو-باند (۱۹۹۱)، ابتدا یک مدل پویا به صورت رابطه (۱) تصریح می‌شود.

$$Y_{it} = \alpha Y_{it-1} + \beta X_{it} + \mu_i + \phi_i + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در رابطه (۱)، Y متغیر وابسته، X بردار متغیرهای توضیحی، μ آثار انفرادی یا ثابت کشورها، ϕ آثار ثابت زمان، ε جمله اخلاص و i و t به ترتیب بیانگر کشور و دوره زمانی است. در رابطه (۱) در صورتی که μ با متغیرهای توضیحی همبستگی داشته باشد استفاده از روش آثار ثابت منجر به تخمین‌زننده‌های تورش‌دار از ضرایب خواهد شد و لازم است از رابطه (۱) تفاضل مرتبه اول گرفته شود، بنابراین به صورت رابطه (۲) در نظر گرفته می‌شود.

$$\Delta Y_{it} = \alpha \Delta Y_{it-1} + \beta \Delta X_{it} + \Delta \phi_i + \Delta \varepsilon_{it} \quad (2)$$

1- Generalized Method of Moments

2- Arellano-Bond

تأثیر رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی... ۱۶۹

در رابطه (۲)، تفاضل وقفه‌دار متغیر وابسته (ΔY_{it-1}) با تفاضل مرتبه اول جملات اخلاص ($\Delta \varepsilon_{it}$) دارای همبستگی بوده و ممکن است برخی متغیرهای توضیحی درون‌زا بوده و تحت تأثیر متغیر وابسته باشد که برای برطرف کردن این دو مشکل از متغیرهای ابزاری استفاده می‌شود.

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مطالعه آکس و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی اثر ارکان مختلف شاخص رقابت‌پذیری ملی بر رشد اقتصادی برای کشورهای عضو مجمع جهانی اقتصاد، طی دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۸ پرداخته می‌شود. برای تبیین مدل مورد استفاده در پژوهش حاضر، ابتدا تابع تولید کل سولو (۱۹۷۵) به صورت رابطه (۳) در نظر گرفته می‌شود.

$$Q = F(K, L, A(t)) \quad (3)$$

که در آن، Q بیانگر تولید ناخالص داخلی سرانه، K بیانگر موجودی سرمایه، L نیروی کار و $A(t)$ بنا بر دیدگاه سولو بیانگر تغییرات تکنولوژیکی است که بر اساس آن بهره‌وری در طول زمان، بدون افزایش در عوامل تولید افزایش می‌یابد. در ادامه با توجه به هدف تحقیق و بررسی تأثیر رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی، تابع تولید سولو (۱۹۷۵) مطابق با آکس و همکاران (۲۰۱۸) به صورت رابطه (۴) تصریح می‌شود.

$$GDP = F(K, L, GCI, A(t)) \quad (4)$$

در ادامه با بهره‌گیری از مطالعه دوران^۱ و همکاران (۲۰۱۸)، متغیر $A(t)$ به صورت رابطه (۵) تصریح می‌شود.

$$\Delta \ln A_{it} = \alpha + \beta_5 \Delta \ln TEA_{it} + \Delta \varepsilon_{it} \quad (5)$$

که متغیر کارآفرینی نوپا (TEA) به عنوان شاخصی برای فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای مختلف به حساب می‌آید. مدل‌های نظری دیگر مانند آکس و همکاران (۲۰۱۲-۲۰۰۹) نشان می‌دهند کارآفرینی با تسهیل در گسترش دانش منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌شود (پریجر^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین وانگ و همکاران^۲ (۲۰۰۵) نشان می‌دهند که فعالیت‌های کارآفرینی منعکس‌کننده ایجاد دانش و تکنولوژی بر رشد اقتصادی است. در نهایت برای تصریح الگوی نهایی تحقیق، رابطه (۴) براساس رابطه لگاریتمی (۲) به صورت رابطه (۶) تصریح می‌شود.

$$\Delta \ln GDP_{it} = \beta_1 \Delta \ln GDP_{it-1} + \beta_2 \Delta \ln L_{it} + \beta_3 \Delta \ln K_{it} + \beta_4 \Delta \ln GCI_{it} + \beta_5 \Delta \ln TEA_{it} + \Delta \varepsilon_{it} \quad (6)$$

که در آن $\ln GDP$ بیانگر لگاریتم تولید ناخالص سرانه، $\ln K$ لگاریتم موجودی سرمایه، $\ln L$ لگاریتم نیروی کار، $\ln GCI$ بیانگر لگاریتم ارکان شاخص رقابت‌پذیری ملی است که عبارتند از: نهادها، زیرساخت‌ها، محیط اقتصاد کلان، آموزش ابتدایی و بهداشت، آموزش عالی، کارایی بازار کار، کارایی بازار کالا، توسعه بازار مالی، آمادگی در فناوری، اندازه بازار، پیچیدگی کسب و کار و نوآوری است. در جدول (۳) متغیرهای به کار رفته در مدل، تعریف شده و منابع گردآوری داده‌ها نیز ذکر شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1- Prieger

2- Wong

جدول (۳): تعاریف متغیرهای مدل پژوهش

منبع	تعریف متغیر	متغیر
بانک جهانی	سرانه تولید ناخالص داخلی، ارزش تمامی کالاهای تولید داخلی و خدمات مربوط به آن‌ها در طول سال است که به دلار آمریکا تبدیل و بر متوسط جمعیت آن کشور در همان سال تقسیم شده است.	تولید ناخالص داخلی سرانه
مجمع جهانی اقتصاد (WEF)	همان‌طور که به‌وسیله WEF تعریف شده است، نهادها مفاهیم مرتبط با حمایت از حق مالکیت، کارایی و شفافیت در بخش اداری، امنیت منابع فیزیکی، حاکمیت مشارکتی، اخلاق تجاری و استقلال سیستم قضایی است. هرکدام از ارکان رقابت‌پذیری در محدوده ارقام ۱ تا ۷ اندازه‌گیری می‌شوند. بر این اساس هرچه شاخص به رقم ۷ نزدیک‌تر باشد قدرت رقابت‌پذیری کشور بیشتر است	نهادها
(WEF)	زیرساخت‌های کارآمد برای انجام فعالیت‌های موثر در اقتصاد، حیاتی است. زیرساخت‌ها به‌وسیله کیفیت و دسترسی به سیستم حمل‌ونقل، برق و زیرساخت‌های ارتباطات اندازه‌گیری می‌شوند.	زیرساخت
(WEF)	آموزش عالی یک کشور با توجه به کیفیت و در دسترس بودن آموزش در محل کار و مقدار ارزش‌گذاری و میزان تحصیلات عالی آن اندازه‌گیری می‌شود.	آموزش عالی
(WEF)	کارایی بازار کار انعطاف‌پذیری، شایستگی و برابری جنسی را در محل کار و در سراسر کشورها در نظر می‌گیرد.	کارایی بازار کار
(WEF)	کارایی، ثبات و اعتماد به سیستم مالی و بانکی تعریفی است که WEF از توسعه بازارهای مالی یک کشور دارد.	توسعه بازار مالی
(WEF)	آمادگی در فناوری به‌عنوان یک رکن رقابت‌پذیری، پیاده‌سازی تکنولوژیکی موجود در یک کشور را برای افزایش تولید اندازه‌گیری می‌کند.	آمادگی در فناوری
(WEF)	اندازه بازار به‌وسیله اندازه بازارهای داخلی و صادرات کشور تعریف می‌شود.	اندازه بازار
(WEF)	نوآوری، تعهد و ظرفیت برای تحولات تکنولوژیکی است.	نوآوری
(WEF)	ثبات محیط اقتصاد کلان برای فعالیت بنگاه‌ها حائز اهمیت است و از این‌رو در رقابت‌پذیری کل کشورها نقش دارد. رکن محیط اقتصاد کلان، ثبات اقتصاد کلان را ارزیابی می‌کند و به‌طور مستقیم به نحوه مدیریت حساب‌های دولتی از سوی دولت نمی‌پردازد.	محیط اقتصاد کلان

منبع	تعریف متغیر	متغیر
(WEF)	وجود نیروی کار سالم برای رقابت‌پذیری و بهره‌وری کشورها حیاتی است. این رکن علاوه بر بهداشت، کیفیت و کمیت آموزش ابتدایی را نیز مورد ارزیابی قرار می‌دهد.	آموزش ابتدایی و بهداشت
(WEF)	پیشرفته بودن بنگاه‌های تجاری به دو مولفه اشاره دارد که عبارتند از: کیفیت شبکه‌های کسب‌وکار هر کشور و کیفیت عملیات و راهبردهای هر بنگاه. افزایش کارایی، تقویت فرصت‌های نوآوری و کاستن موانع ورود بنگاه‌های جدید به صنعت از مزیت‌های این رکن است.	پیچیدگی کسب و کار
(WEF)	کارایی بازار کالا در ارتباط با تولید و ترکیب مناسبی از کالاها و خدمات با توجه به شرایط خاص عرضه و تقاضا در کشور و در ارتباط با اثربخشی تجارت با این کالاها است. همچنین به شرایط تقاضا، مانند میزان مشتری‌مداری بنگاه‌ها و میزان آگاهی و پیچیدگی خریداران بستگی دارد.	کارایی بازار کالا
کارآفرینی دیده‌بان جهانی کارآفرینی	دو مولفه راه‌اندازی کسب‌وکار (کارآفرینی نوظهور) و کارآفرینی جدید به‌عنوان کارآفرینی نوپا تعریف می‌شود که این شاخص معیار اصلی در مقایسه کشورها با یکدیگر است.	کارآفرینی نوپا (TEA)
(GEM)	در صد بزرگسالان ۱۸-۶۴ ساله‌ای که یا کارآفرین نوپا و یا مدیر/ مالک یک کسب‌وکار جدید هستند.	

۴-۱- تقسیم‌بندی کشورها براساس سطوح توسعه

در گزارش شاخص جهانی رقابت، کشورهای مورد مطالعه در سه سطح اصلی توسعه و دو سطح در حال گذار تقسیم‌بندی می‌شوند. معمولاً برای تعیین سطح توسعه کشورها از دو معیار استفاده می‌شود. نخستین معیار، تولید ناخالص داخلی سرانه است که نماینده دستمزدها در هر کشور است. بر این اساس، کشورها در سطوح متفاوتی از توسعه قرار می‌گیرند (جدول ۴).

دومین معیار برای تعیین سطح توسعه براساس وابستگی کشور به منابع طبیعی و معدنی اندازه‌گیری می‌شود. این مقیاس با اندازه‌گیری سهم صادرات مواد معدنی در کل صادرات کشور محاسبه می‌شود. بر این اساس، کشورهایی که در ۵ سال متوالی به‌طور متوسط بیش از ۷۰ درصد از تولیدات معدنی (طبیعی) خود را صادر می‌کنند در گروه

تأثیر رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی... ۱۷۳

کشورهای وابسته به عوامل اولیه تولید (سطح اول توسعه یا منبع محور) قرار می‌گیرند. برای تقسیم‌بندی کشورها در سطوح دوم و سوم توسعه به تدریج عوامل وزنی دیگری که اهمیت بیشتری در رقابت کشور دارند به محاسبات افزوده می‌شوند و شاخص رقابت‌پذیری جهانی می‌تواند در این خصوص کمک کند. همچنین کشورهایی که بین این سه گروه قرار می‌گیرند در حال گذار محسوب می‌شوند. در جدول (۵)، نمونه کشورهای موردبررسی در مطالعه حاضر گزارش شده است.^۱

جدول (۴): سطوح توسعه براساس معیار تولید ناخالص داخلی سرانه

تولید ناخالص داخلی سرانه(دلار)	سطوح توسعه
کمتر از ۲۰۰۰	سطح ۱: کشورهای وابسته به عوامل اولیه تولید (منبع محور)
۲۰۰۰-۲۹۹۹	در حال گذار از سطح ۱ به سطح ۲
۳۰۰۰-۸۹۹۹	سطح ۲: کشورهای دارای بهره‌وری (کارایی محور)
۹۰۰۰-۱۷۰۰۰	در حال گذار به سطح ۳
بیشتر از ۱۷۰۰۰	سطح ۳: کشورهای دارای خلاقیت (نوآوری محور)

منبع: گزارش‌های رقابت‌پذیری جهانی

جدول (۵): لیست کشورها براساس تقسیم‌بندی مجمع جهانی اقتصاد

کشورهای منبع محور	کشورهای کارایی محور	کشورهای نوآوری محور
بنگلادش، بنین، برونڈی، کامرون، چاد، اتیوپی، گامبیا، غنا، هند، کنیا، ماداگاسکار، مالاوی، مالی، موریتانی، مولداوی، موزامبیک، پاکستان، رواندا، سنگال، سیرالئون، تانزانیا، اوگاندا، زامبیا	آلبانی، بوسنی، برزیل، بلغارستان، چین، کلمبیا، دومینیک، اکوادور، مصر، السالوادور، گواتمالا، اندونزی، ایران، جامائیکا، اردن، مکزیک، مونتنگرو، مراکش، نامیبیا، پاراگوئه، پرو، روسیه، صربستان، آفریقای جنوبی، سوازیلند، تایلند، تونس	استرالیا، اتریش، بحرین، بلژیک، کانادا، قبرس، جمهوری چک، دانمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، هنگ کنگ، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، کره جنوبی، هلند، نروژ، پرتغال، قطر، سنگاپور، اسلوانی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، امارات، انگلیس، آمریکا

۱- در مقاله حاضر، کشورهایی که در مرحله گذار از مرحله منبع محور به کارایی محور قرار گرفته‌اند در گروه کشورهای «کارایی محور» و همچنین کشورهایی که در مرحله گذار از مرحله کارایی محور به مرحله نوآوری محور واقع شده‌اند در نمونه کشورهای «نوآوری محور»، دسته‌بندی شده‌اند.

۵- نتایج تجربی

قبل از تخمین ارتباط پویای بین متغیرهای مدل، بمنظور بررسی وجود همخطی بین متغیرهای مدل از آزمون همبستگی استفاده شده است که به دلیل عدم وجود همبستگی بالا بین متغیرهای مدل، از همه ارکان رقابت پذیری در تخمین مدل استفاده شده است. در جدول (۶) آمار توصیفی متغیرها گزارش شده است.

جدول (۶): آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در مدل

متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف استاندارد
نهاده‌ها	۴/۱۸۲۷	۳/۹۰۸۵	۶/۰۹۷۸	۲/۵۴۴۰	۰/۹۰۱۳
زیرساخت‌ها	۴/۳۵۳۵	۴/۲۱۲۵	۶/۷۴۳۱	۱/۶۶۶۹	۱/۲۸۴۱
محیط اقتصاد کلان	۴/۶۷۵۶	۴/۵۸۹۵	۶/۸۳۴۹	۲/۴۲۱۱	۰/۹۶۷۸
آموزش ابتدایی و بهداشت	۵/۶۱۶۹	۵/۹۱۲۴	۶/۸۸۶۵	۲/۵۸۲۵	۰/۹۰۳۹
آموزش عالی	۴/۳۹۸۷	۴/۴۱۸۹	۶/۲۶۵۳	۲/۰۲۶۵	۱/۰۷۹۴
کارایی بازار کالا	۴/۴۳۶۷	۴/۳۴۳۰	۵/۶۴۱۱	۲/۸۲۶۸	۰/۵۲۵۴
کارایی بازار کار	۴/۳۳۵۴	۴/۲۶۹۴	۵/۸۹۸۹	۲/۹۹۶۸	۰/۵۸۲۳
توسعه بازار مالی	۴/۲۰۶۵	۴/۱۷۵۵	۶/۰۱۵۲	۲/۳۳۴۲	۰/۷۴۸۶
آمادگی در فناوری	۴/۲۹۳۸	۳/۹۴۱۴	۶/۲۸۷۱	۲/۰۹۰۵	۱/۲۳۶۴
اندازه بازار	۴/۱۸۰۰	۴/۲۹۸۷	۶/۹۷۷۷	۱/۵۵۰۷	۱/۱۹۷۴
پیچیدگی کسب و کار	۴/۳۰۵۲	۴/۲۳۹۶	۵/۸۲۰۷	۲/۷۶۸۵	۰/۷۴۷۶
نوآوری	۳/۷۵۴۶	۳/۴۱۵۲	۵/۷۸۶۵	۲/۳۱۱۸	۰/۹۴۰۱
تولید ناخالص داخلی سرانه	۲۳۲۱۱/۹۸	۱۴۷۹۶/۶۴	۱۲۲۶۳۶/۹	۷۹۰/۷۱۴۵	۲۰۶۸۹/۷۲
کارآفرینی	۱۷/۰۴۸۹	۰/۵۷۰۱	۷۹/۵۰۱۰	۰/۰۴۰۱	۲۲/۸۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه و در جدول (۷)، نتایج برآورد سه تصریح متفاوت مدل اقتصادسنجی (۶) برای سه گروه کشورهای مورد بررسی نشان داده شده است.

تأثیر رقابت پذیری بر رشد اقتصادی... ۱۷۵

جدول (۷): نتایج تخمین مدل به روش گشتاورهای تعمیم یافته

متغیر	منبع محور	کارایی محور	نوآوری محور
وقفه رشد GDP سالانه	۰/۳۴۵۶*** (۰/۵۷۵)	۰/۱۴۶۳*** (۰/۰۴۸۳)	۰/۲۳۹۸** (۰/۰۵۶۳)
نهادهای	۰/۹۸۲۱*** (۰/۳۰۱۴)	۰/۶۰۹۴*** (۰/۲۰۸۹)	۰/۶۳۵۶*** (۰/۱۵۳۲)
زیرساخت‌ها	۰/۹۵۳۴** (۰/۲۵۸۴)	۰/۲۵۸۷*** (۰/۱۱۱۷)	۰/۸۱۲۳*** (۰/۳۲۶۴)
محیط اقتصاد کلان	۰/۵۴۴۸ (۰/۵۱۵۴)	۰/۵۰۷۱*** (۰/۱۷۵۷)	۰/۶۸۸۸*** (۰/۱۷۵۷)
آموزش ابتدایی و بهداشت	۰/۵۴۵۸*** (۰/۳۶۶۵)	۰/۱۸۱۷ (۰/۶۰۷۵)	۰/۰۱۸ (۰/۷۲۵۷)
آموزش عالی	۰/۶۹۰۶*** (۰/۲۸۰۹)	۰/۵۲۸۴*** (۰/۲۱۱۶)	۰/۴۱۲۷*** (۰/۱۶۶۰)
کارایی بازار کالا	۰/۲۳۳۶ (۰/۴۱۹۹)	۰/۱۳۹۴ (۰/۸۷۶۱)	۰/۷۴۳۶*** (۰/۲۳۹۵)
کارایی بازار کار	۰/۷۶۲۲ (۰/۸۵۵۳)	۰/۵۶۲۲*** (۰/۱۸۳۲)	۰/۶۷۴۴** (۰/۳۴۸۱)
توسعه بازار مالی	۰/۵۵۷۳ (۰/۸۹۴۵)	۰/۹۳۸۱** (۰/۴۵۰۴)	۰/۵۶۳۳*** (۰/۱۵۱۰)
آمادگی در فناوری	۰/۵۹۶۵ (۰/۲۵۶۳)	۰/۸۹۲۱*** (۰/۳۲۱۶)	۰/۷۳۷۴ (۰/۸۹۲۴)
اندازه بازار	۰/۸۵۱۱ (۰/۷۷۶۲)	۰/۲۹۳۷ (۰/۳۹۱۶)	۰/۴۰۸۱** (۰/۲۱۴۱)
پیچیدگی کسب و کار	۰/۵۲۳۶*** (۰/۱۸۲۷)	۰/۳۵۳۳*** (۰/۰۹۸۸)	۰/۷۷۰۱*** (۰/۲۶۰۹)
نوآوری	۰/۵۱۲۸ (۰/۱۹۰۳)	۰/۸۹۷۳*** (۰/۳۶۷۱)	۰/۶۰۰۶*** (۰/۲۱۴۳)
نیروی کار	۰/۸۸۹۴*** (۰/۳۰۲۳)	۰/۴۰۸۱*** (۰/۱۰۴۱)	۰/۷۶۵۲*** (۰/۱۷۴۹)
سرمایه	۰/۶۰۱۰*** (۰/۲۵۵۲)	۰/۸۸۷۶*** (۰/۲۷۱۱)	۰/۷۹۹۱*** (۰/۲۴۵۱)
کارآفرینی	- ۰/۳۱۴۷*** (۰/۱۱۴۳)	۰/۵۵۶۴** (۰/۲۱۴۶)	۰/۶۵۷۱*** (۰/۲۹۳۱)
عرض از مبدا	۰/۵۵۰۶ (۱/۱۶۴)	۰/۸۴۶۷ (۰/۶۰۳۵)	۰/۷۶۵۲ (۰/۶۷۴۹)

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج تخمین مدل در جدول ۵، ضریب متغیر نهادها در هر سه گروه کشورهای مورد بررسی، مثبت و معنادار است. مطابق مبانی نظری، کیفیت نهادها ارتباط تنگاتنگی با رقابت پذیری و رشد اقتصادی دارد و می تواند ضمن تاثیر گذاشتن بر تصمیم های سرمایه گذاری و سازماندهی تولید، نقش کلیدی در افزایش رشد اقتصادی ایفا کند. همچنین متغیر زیرساخت ها نیز تاثیر مثبت و معنادار بر روند رشد اقتصادی در هر سه گروه کشورهای مورد بررسی داشته است. در این راستا می توان استدلال کرد وجود زیرساخت های گسترده و موثر، عامل مهمی در تعیین جایگاه فعالیت اقتصادی و توسعه فعالیت ها در یک اقتصاد خاص است. تقویت زیرساخت ها می تواند کارآفرینان را از سرمایه گذاری و صرف هزینه برای ایجاد زیرساخت لازم برای توسعه کسب و کارشان بی نیاز کند. همچنین کیفیت و گستردگی شبکه زیرساخت ها به طور معناداری بر رشد اقتصادی اثرگذار است. محیط اقتصاد کلان تاثیر مثبت و معنادار بر روند رشد اقتصادی در کشورهای کارایی محور و نوآوری محور داشته است. ثبات در محیط کلان اقتصاد برای تجارت و نیز برای رقابت پذیری یک کشور حائز اهمیت است. به طور قطع، ثبات او ضاع کلان اقتصادی به تنهایی نمی تواند بهره وری ملی را افزایش دهد. در مجموع می توان گفت که اقتصاد نمی تواند به خوبی رشد کند، مگر اینکه محیط کلان اقتصاد با ثبات باشد.

متغیر آموزش ابتدایی و سطح بهداشت و سلامت تاثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی در کشورهای منبع محور داشته است. کمیت و کیفیت آموزش ابتدایی و پایه، کارایی نیروی کار را افزایش می دهد و در طراحی و اجرای نوآوری ها نقش دارد که این نوآوری ها در نهایت به افزایش زنجیره ارزش از طریق تولید محصولات پیچیده تر و با ارزش افزوده بالاتر منتهی می شود. نیروی کار سالم برای بهره وری و رقابت پذیری هر کشور بسیار حیاتی است. همچنین سیستم بهداشتی ضعیف و نامناسب هزینه های زیادی را بر فعالان اقتصادی تحمیل می کند (WEF، ۲۰۱۷). متغیر آموزش عالی بر رشد اقتصادی در هر سه گروه کشورهای مورد بررسی تاثیر مثبت داشته است. نیروی تحصیل کرده برای رقابت و بهره وری در اقتصاد از اهمیت بالایی برخوردار است. به منظور گسترش زنجیره ی ارزش فراتر از فرآیندهای تولید محصولات ساده، آموزش عالی و نحوه تربیت نیروی انسانی اهمیت زیادی دارد.

تأثیر رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی... ۱۷۷

کارایی بازار کالا بر روند رشد اقتصادی در کشورهای نوآوری محور اثر مثبت و معنادار داشته است. اقتصادهای نوآوری محور با داشتن بازارهای کالای کارآمد، قادر به تولید محصولات و خدمات با توجه به شرایط عرضه و تقاضا هستند. علاوه بر این، در کشورهای ثروتمند، مشتریان ممکن است در جستجوی محصولات پیشرفته‌تر همراه با کیفیت بالاتر باشند و به این ترتیب فرصت‌های جدید برای کارآفرینان ایجاد می‌کنند. کارایی بازار کار بر رشد اقتصادی کشورهای کارایی محور و نوآوری محور تاثیر مثبت و معنادار داشته است. کارایی و انعطاف‌پذیری بازار کار باعث تخصیص کارآمد نیروی کار می‌شود. بازارهای کارآمد، انگیزه‌های قوی برای کارکنان ایجاد و تلاش برای ارتقای شایستگی در محل کار را تضمین می‌کنند (WEF، ۲۰۱۷)، این امر با بهبود کارایی به رشد اقتصادی بالاتر منجر می‌شود. در بازارهای کارا، نیروی کار با سرعت بیشتری از بخش‌های با بهره‌وری پایین به سمت بخش‌هایی با بهره‌وری بالاتر منتقل می‌شود. توسعه بازار مالی یک عامل مثبت و معنادار برای رشد اقتصادی در کشورهای کارایی محور و نوآوری محور بوده است. در حالی که تاثیر مثبت آن بر روند رشد اقتصادی کشورهای منبع محور معنادار نشده است. البته با توجه به عدم توسعه یافتگی بازارهای مالی در کشورهای منبع محور این نتیجه دور از انتظار نیست. با وجود این، در بازارهای مالی توسعه یافته و پیشرفته، همواره پروژه‌هایی با بالاترین بازدهی‌ها انتخاب شده و منابع لازم برای تامین مالی این پروژه‌ها وجود دارد. این امر باعث کاهش ریسک و افزایش بازدهی پروژه‌ها شده و در نتیجه افزایش رشد سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. متغیر آمادگی تکنولوژیکی اثر مثبت و معنادار بر روند رشد اقتصادی در کشورهای منبع محور و کارایی محور داشته است. در اقتصادهای پیشرفته برای افزایش بهره‌وری ملی، صنایع از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در فعالیت‌های روزانه و فرآیندهای تولید برای افزایش بهره‌وری و نوآوری در رقابت استفاده می‌کنند. بنابراین، هرچه در یک کشور آمادگی تکنولوژیکی بالاتر باشد، آن کشور از رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی بالاتری برخوردار است. متغیر اندازه بازار دارای تاثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی در کشورهای نوآوری محور بوده است. اندازه بازار به‌عنوان موهبتی برای یک اقتصاد از طریق ایجاد فرصت‌هایی برای دستیابی به صرفه‌های اقتصادی مقیاس بر بهره‌وری تاثیر می‌گذارد. با افزایش اندازه بازار،

فرصت‌های کسب‌وکار بیشتری ایجاد شده و روند رشد سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد.

عامل پیچیدگی کسب‌وکار تاثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی در هر سه گروه کشورهای مورد بررسی داشته است. پیچیدگی کسب‌وکار در یک اقتصاد باعث ایجاد مزیت رقابتی و بهبود رشد اقتصادی می‌شود. پیچیدگی کسب‌وکار به احتمال زیاد در اقتصادهای پیشرفته‌ای اتفاق می‌افتد که در آن بهبود بهره‌وری از قبل مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و اقتصادهای توسعه‌نیافته سطح بالایی از پیچیدگی را ندارند (کینگ و لوین^۱، ۱۹۹۳). همچنین متغیر نوآوری به‌عنوان یک عامل مهم و تاثیر گذار بر روند رشد اقتصادی در هر سه گروه کشورهای مورد بررسی تاثیر مثبت و معنادار داشته است. اگرچه می‌توان از طریق بهبود نهادها، ایجاد زیرساخت‌ها، کاهش بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان و یا ارتقای سرمایه انسانی به منافع قابل توجهی دست یافت، همه این عوامل در نهایت دچار بازده نزولی می‌شوند. این موضوع برای کارایی بازار نیروی کار، مالی و کالا نیز صادق است. استانداردهای زندگی در بلندمدت تنها از طریق نوآوری فناورانه می‌تواند بهبود یابد (گروسمن و هلپمن، ۱۹۹۱). شاخص کارآفرینی نوپا دارای تاثیر مثبت و معنادار بر روند رشد اقتصادی کشورهای کارایی و نوآوری محور بوده است، اما در کشورهای منبع محور، تاثیر آن معنادار نشده است. در توضیح می‌توان گفت که با توجه به نتایج تحقیقات پیشین مانند (آکس و همکاران، ۲۰۱۴؛ دوران و همکاران، ۲۰۱۸)، قسمت اعظم فعالیت‌های کارآفرینی در کشورهای منبع محور به صورت کارآفرینی اجباری^۲ است. در حالی که فعالیت‌های کارآفرینی فرصت‌گرا^۳ در کشورهای کارایی و نوآوری محور تاثیر مثبت بر روند رشد اقتصادی داشته است. به طور خلاصه در جدول (۸)، تاثیر ارکان مختلف رقابت‌پذیری بر روند رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی گزارش شده است.

1- King and Levine

2- Necessity Entrepreneurship

3- Opportunity Entrepreneurship

جدول (۸): تأثیر ارکان رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی

ارکان رقابت‌پذیری	منبع محور	کارایی محور	نوآوری محور
نهاده‌ها	مثبت	مثبت	مثبت
زیرساخت‌ها	مثبت	مثبت	مثبت
محیط اقتصاد کلان	-	مثبت	مثبت
آموزش ابتدایی و بهداشت	مثبت	-	-
آموزش عالی	مثبت	مثبت	مثبت
کارایی بازار کالا	-	-	مثبت
کارایی بازار کار	-	مثبت	مثبت
توسعه بازار مالی	-	مثبت	مثبت
آمدگی در فناوری	مثبت	مثبت	-
اندازه بازار	-	-	مثبت
پیچیدگی کسب و کار	مثبت	مثبت	مثبت
نوآوری	مثبت	مثبت	مثبت

منبع: یافته‌های پژوهش

سازگاری تخمین‌زننده GMM به اعتبار فرض عدم همبستگی سریالی جملات خطا و اعتبار متغیرهای ابزاری بستگی دارد که در جدول (۹) گزارش شده است. آزمون سارگان^۱، معتبر بودن ابزارها را آزمون می‌کند و دیگر آماره M_2 است که وجود همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطای تفاضلی مرتبه اول را آزمون می‌کند.

جدول (۹): نتایج آزمون اعتبار ابزارهای مورد استفاده و خودهمبستگی آرانو-باند

آماره آزمون	منبع محور	کارایی محور	نوآوری محور	نتیجه آزمون
Z	-۲/۳۳	-۲/۲۳	-۲/۵۶	وجود خود همبستگی
(Pr>Z)	(۰/۲۵)	(۰/۳۴)	(۰/۲۵)	(وقفه اول)
Z	-۰/۶۵۳	-۰/۴۶	-۰/۵۱	عدم وجود خودهمبستگی
(Pr>Z)	(۰/۷۶۲)	(۰/۶۴۴)	(۰/۶۳۸)	(وقفه دوم)
Chi ²	۰/۲۰۴	۰/۷۸۹	۰/۲۴۶	
(Prob > chi ²)	(۰/۸۷۵)	(۰/۶۲۳)	(۰/۴۵۲)	اعتبار ابزارها

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون، شواهدی مبنی بر فرض عدم همبستگی سریالی در وقفه دوم و معتبر بودن ابزارهای مورد استفاده در مدل را فراهم می‌کند.

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر با مروری بر ادبیات موجود در ارتباط با تاثیر رقابت‌پذیری بر روند رشد اقتصادی کشورها، مشخص شد که تاکنون تحقیقات محدودی به بررسی تاثیر ارکان رقابت‌پذیری ملی بر روند رشد اقتصادی پرداخته‌اند. بنابراین، سوال اصلی این مقاله، بررسی این موضوع است که چگونه عوامل مختلف رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی در سطح جهان با توجه به درجه توسعه‌یافتگی آن‌ها تاثیر می‌گذارد. با استفاده از داده‌های ۸۱ کشور عضو مجمع جهانی اقتصاد در سه گروه کشورهای منبع‌محور، کارایی‌محور و نوآوری‌محور برای سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۸ و از طریق الگوی اقتصادسنجی گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، بررسی تاثیر ارکان رقابت‌پذیری ملی بر رشد اقتصادی انجام گرفته است.

نتایج برآورد مدل‌ها نشان داد که تاثیر ارکان رقابت‌پذیری بر روند رشد اقتصادی کشورها با درجه توسعه‌یافتگی کشورها همبستگی بالایی دارد. نتایج بیانگر این است که تاثیر نهادها، زیرساخت‌ها، آموزش عالی، پیچیدگی کسب‌وکار و نوآوری برای هر سه گروه کشورها بر روند رشد اقتصادی مثبت و معنادار است. ارکان کارایی بازار کار، توسعه بازار مالی و محیط اقتصاد کلان بر روند رشد اقتصادی کشورهای کارایی‌محور و کشورهای نوآوری‌محور تاثیر مثبت داشته است در حالی که تاثیر مثبت این ارکان بر رشد اقتصادی کشورهای منبع‌محور معنادار نبوده است. همچنین تاثیر ارکان کارایی بازار کالا و اندازه بازار بر رشد اقتصادی در کشورهای نوآوری‌محور مثبت و معنادار و در دو گروه دیگر از کشورها معنادار نبوده است، با این حال در کشورهای گروه نوآوری‌محور رکن آمادگی در فناوری تاثیر معناداری بر روند رشد اقتصادی نداشته، اما تاثیر آن برای کشورهای منبع‌محور و کارایی‌محور مثبت و معنادار است. درنهایت تاثیر رکن آموزش ابتدایی و بهداشت تنها در کشورهای منبع‌محور بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار بوده است.

با توجه به یافته‌های پژوهش فوق، پیشنهاداتی به صورت زیر مطرح می‌شود:

۱- یکی از اهداف نهایی سیاست‌ها در هر اقتصاد، رسیدن به رشد پایدار است. بنابراین، برای رسیدن به این هدف، پیشنهاد می‌شود که دولت‌ها با سیاست‌گذاری مناسب

تأثیر رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی... ۱۸۱

در خصوص محیط کسب و کار، زیرساخت‌های فیزیکی و آموزشی، تقویت کیفیت نهادها، ثبات اقتصاد کلان و توسعه بازارهای پولی و مالی و بازار کار و کالا با بهبود عملکرد رقابت‌پذیری، زمینه رشد و رفاه اقتصادی بالاتر را فراهم آورند.

۲- از آنجایی که رقابت‌پذیری اهرم رشد اقتصادی کشورهای دنیا اعم از توسعه‌یافته یا در حال توسعه محسوب می‌شود، بررسی شاخص‌های رقابتی کشورها در حوزه‌های مختلف به مثابه آگاهی از نقاط قوت و ضعف موجود در بخش‌های مختلف اقتصادی است. بنابراین، برنامه‌ریزان کشور باید در برنامه‌ریزی‌های آتی به این مهم توجه داشته تا در نهایت راه دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی هموارتر شود.

۳- با توجه به نتایج به دست آمده و با درک این موضوع که شرایط توسعه‌یافتگی کشورها و وجود ابزارهای لازم برای افزایش میزان کمی و کیفی سطح رقابت‌پذیری در کشورهای مختلف متفاوت است، دولت و سیاست‌گذاران باید با توجه به سطوح متفاوت توسعه‌یافتگی کشورها، سیاست‌های بهبود سطح رقابت‌پذیری را در جهت افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی اتخاذ کنند.

منابع

الف - فارسی

بافنده ایماندوست، صادق و علی مفیدی (۱۳۹۵)، «سنجش تاثیر شاخص رقابت پذیری GCI بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته برگزیده»، *مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، (۱۲)، صص ۹۵-۶۵.

پژویان، جمشید و مرجان فقیه نصیری (۱۳۸۸)، «اثر رقابت پذیری بر رشد اقتصادی، با رویکرد الگوی رشد درون‌زا»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۱۳(۳۸)، صص ۹۷-۱۳۲.

توتونچیان، ایرج و مینا مهرنوش (۱۳۸۸)، «رقابت پذیری دانش محور در ایران». *پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهش‌های اقتصادی)*، ۹(۱)، صص ۵۸-۳۹.

رفاح کهریز، آرش، یوسف محمدزاده، سید جمال‌الدین محسنی زنوزی، نیر هاشمی برنج آبادی و نگار قاسم‌زاده (۱۳۹۸)، «تاثیر رقابت پذیری بر عملکرد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته»، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۷(۲۵)، صص ۸۱-۱۰۰.

محسنی زنوزی، سید جمال‌الدین و سید میثم اسماعیلی (۱۳۹۳)، «تاثیر نقش دولت در رقابت پذیری»، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۲(۵)، صص ۶۵-۴۱.

نادری، مرتضی و محمد شربت‌اغلی (۱۳۸۶)، «بررسی نظری و تجربی تاثیر شرایط آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورها»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۹(۳۲)، صص ۲۹-۱.

ب - انگلیسی

Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2002). "Reversal of Fortune: Geography and Institutions in the Making of the Modern World Income Distribution". *The Quarterly Journal of Economics*, 117(4). 12311294.

Acs, Z. J., & Amorós, J. E. (2008). "Entrepreneurship and Competitiveness Dynamics in Latin America". *Small Business Economics*, 31(3). 305322.

Acs, Z. J., Autio, E., & Szerb, L. (2014). "National Systems of Entrepreneurship: Measurement Issues and Policy Implications". *Research Policy*, 43(3). 476494.

- Acs, Z. J., Estrin, S., Mickiewicz, T., & Szerb, L. (2018). "Entrepreneurship, Institutional Economics, and Economic Growth: an Ecosystem Perspective". *Small Business Economics*, 51(2). 501514.
- Acs, Z., & Storey, D. (2004). Introduction: Entrepreneurship and Economic Development. *Regional Studies*, 38(8), 871-877.
- Aghion, P. (2017). "Entrepreneurship and Growth: Lessons from an Intellectual Journey". *Small Business Economics*, 48(1). 924.
- Aghion, P., & Howitt, P. (1992). "A Model of Growth through Creative Destruction". (No. w3223). National Bureau of Economic Research.
- Amar, M. B., & Hamdi, M. T. (2012). "Global Competitiveness and Economic Growth: Empirical Verification for African Countries". *International Journal of Economics and Finance*, 4(6). 125.
- Amorós, J. E., & Cristi, O. (2008). "Longitudinal Analysis of Entrepreneurship and Competitiveness Dynamics in Latin America". *International Entrepreneurship and Management Journal*, 4(4). 381399.
- Amorós, J. E., Fernández, C., & Tapia, J. (2012). "Quantifying the Relationship between Entrepreneurship and Competitiveness Development Stages in Latin America". *International Entrepreneurship and Management Journal*, 8(3). 249270.
- Audretsch, D. B., & PeñaLegazkue, I. (2012). "Entrepreneurial Activity and Regional Competitiveness: an Introduction to the Special Issue". *Small Business Economics*, 39(3). 531537.
- AuzinaEmsina, A. (2014). "Labour Productivity, Economic Growth and Global Competitiveness in PostCrisis Period". *ProcediaSocial and Behavioral Sciences*, 156, 317321.
- Barro, R. J. (1990). "Government Spending in a Simple Model of Endogeneous Growth". *Journal of Political Economy*, 98(5, Part 2). S103S125.
- Boltho, A. (1996). "The Assessment: International Competitiveness". *Oxford Review of Economic Policy*, 12(3). 116.
- Calderón, C., & Servén, L. (2004). The Effects of Infrastructure Development on Growth and Income Distribution. The World Bank.
- Canning, D., & Pedroni, P. (1999). "Infrastructure and Long Run Economic Growth". Center for Analytical Economics, Working Paper, 99(09),
- Cazacu, A. M. (2015). "Global Competitiveness Index and Economic Growth". In International Finance and Banking Conference (p. 369),
- Dadgar, Y., Nazari, R., & Fahimifar, F. (2018). "The Impact of Global Competitiveness Index (GCI) on Economic Growth in Iran and Some Selected Countries". *OIDA International Journal of Sustainable Development*, 11(12). 5360.

- Delgado, M., Ketels, C., Porter, M. E., & Stern, S. (2012). The determinants of national competitiveness (No. w18249). National Bureau of Economic Research.
- Doran, J., McCarthy, N., & O'Connor, M. (2018). "The Role of Entrepreneurship in Stimulating Economic Growth in Developed and Developing Countries". *Cogent Economics & Finance*, 6(1). 1442093.
- European Commission. (2014). "Reindustrializing Europe. Member States Competitiveness Report". SWD (2014) 278. Brussels: European Commission.
- Fagerberg, J., Srholec, M., & Knell, M. (2007). "The Competitiveness of Nations: Why Some Countries Prosper While others Fall Behind". *World Development*, 35(10). 15951620.
- Gardiner, B., Martin, R., & Tyler, P. E. T. E. R. (2006). "Competitiveness, Productivity and Economic Growth across the European Regions". *Regional Competitiveness*, 30, 55.
- Goodfriend, M. (2007). "How the World Achieved Consensus on Monetary Policy". *Journal of Economic Perspectives*, 21(4). 4768.
- Grossman, G. M., & Helpman, E. (1991). "Quality Ladders and Product Cycles". *The Quarterly Journal of Economics*, 106(2). 557586.
- Harrison, A. (1996). "Openness and Growth: A TimeSeries, CrossCountry Analysis for Developing Countries". *Journal of Development Economics*, 48(2). 419447.
- Johansson, A., Heady, C., Arnold, J., Brys, B., & Vartia, L. (2008). Tax and Economic Growth, Working Paper No. 620.
- Kaplan, D. S. (2008). Job Creation and Labor Reform in Latin America. The World Bank.
- King, R. G., & Levine, R. (1993). "Finance, Entrepreneurship and Growth". *Journal of Monetary Economics*, 32(3). 513542.
- Kordalska, A., & Olczyk, M. (2016). "Global Competitiveness and Economic Growth: A OneWay or TwoWay Relationship?. Equilibrium". *Quarterly Journal of Economics and Economic Policy*, 11(1). 121142.
- KorezVide, R., & Tominc, P. (2016). "Competitiveness, Entrepreneurship and Economic Growth. In Competitiveness of CEE Economies and Businesses". Cham. 2544
- Krueger, A. B., & Lindahl, M. (2001). "Education for Growth: Why and for Whom?". *Journal of Economic Literature*, 39(4). 11011136.
- Martin, R. L. (2003). A study on the factors of regional competitiveness. A draft final report for The European Commission Directorate-General Regional Policy, Cambridge: University of Cambridge.

- Miller, T., Kim, A. B., & Holmes, K. R. (2014). Index of Economic Freedom. *The Heritage Foundation and Dow Jones & Company*.
- Niessner, B. (2013). Convergence 2.0. *Erste Group Research-CEE Special Report*, February, 20, 2013.
- Parteka, A., & WolszczakDerlacz, J. (2013). "The Impact of Trade Integration with the European Union on Productivity in a Posttransition Economy: The Case of Polish Manufacturing Sectors". *Emerging Markets Finance and Trade*, 49(2). 84104.
- Petrariu, I. R., Bumbac, R., & Ciobanu, R. (2013). "Innovation: a Path to Competitiveness and Economic Growth. The Case of CEE Countries". *Theoretical & Applied Economics*, 20(5),
- Podobnik, B., Horvatić, D., Kenett, D. Y., & Stanley, H. E. (2012). "The Competitiveness Versus The Wealth of a Country". *Scientific Reports*, 2, 678.
- Porter, M. E. (1998). *The Competitive Advantage of Nations (2nd ed.)*. New York: Free Press.
- Prieger, J. E., Bampoky, C., Blanco, L. R., & Liu, A. (2016). "Economic Growth and the Optimal Level of Entrepreneurship". *World Development*, 82, 95109.
- Reinhart, C. M., & Rogoff, K. S. (2010). "Growth in a Time of Debt". *American Economic Review*, 100(2). 57378.
- Rodrik, D., Subramanian, A., & Trebbi, F. (2004). "Institutions Rule: the Primacy of Institutions over Geography and Integration in Economic Development". *Journal of Economic Growth*, 9(2). 131165.
- Wennekers, S., Van Wennekers, A., Thurik, R., & Reynolds, P. (2005). "Nascent Entrepreneurship and the Level of Economic Development". *Small Business Economics*, 24(3). 293309.
- Wong, P. K., Ho, Y. P., & Autio, E. (2005). "Entrepreneurship, Innovation and Economic Growth: Evidence from GEM Data". *Small Business Economics*, 24(3). 335350.
- World Economic Forum. (2015). Leveraging Entrepreneurial Ambition and Innovation: A Global Perspective on Entrepreneurship, Competitiveness and Development. *Geneva: World Economic Forum*.
- World Economic Forum. (2017). the Global Competitiveness Report 20162017.